

The Analysis of the Rules of the Attribution in International Shared Responsibility

(Type of Paper: Research Article)

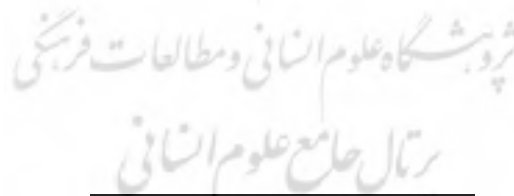
Mohammad Reza Ziai Bigdeli*, Nasrin Tarazi†

Abstract

The State is a legal institution that acts through persons like its organs and representatives. When more than one State or international organization takes part in act that is breach of international duties, the attribution of conduct is of material importance. An International Law Commission drafts on responsibility doesn't include any express rules as to attribution of conduct in situations like sharing responsibility of international actors. So the main question for this essay is: in sharing responsibility situations, whether the exclusive attribution of wrongful conduct is presumed or multiple attributions of conduct are acceptable. This essay is seeking to clarify and examine rules of attribution of conduct in shared responsibility situations in the light of current rules in international responsibility drafts and through this examine its requirement and consequences

Keywords

Coercion, Attribution of Conduct, Attribution of Responsibility, Joint Organs, Aid and Assistance, International Shared Responsibility, Direction and Control.



1. Prof., Department of Public and International Law, Faculty of Law and Political Science, University of Allameh Tabataba'i, Tehran, Iran (Corresponding Author). Email: reza.zb.ziai@gmail.com
 2. Ph.D. Student in International Law, Faculty of Law and Political Science, University of Allameh Tabataba'i, Tehran, Iran. Email: Nasrintarazi@gmail.com
- Received: May 23, 2019 - Accepted: November 18, 2019



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

تحلیل قواعد انتساب در مسئولیت مشترک بین المللی

(نوع مقاله: علمی _ پژوهشی)

محمد رضا ضیایی بیگدلی^{۱*}، نسرین ترازوی^۲

چکیده

دولت نهادی حقوقی است و اعمال خود را از طریق اشخاصی مثل ارگان‌ها و نمایندگان خود محقق می‌سازد. وقتی بیش از یک دولت یا سازمان بین‌المللی در رفتاری مشارکت کنند که نقض تعهد بین‌المللی محسوب شود، نحوه انتساب رفتار، در تعیین مسئولیت از اهمیت اساسی برخوردار است. طرح‌های کمیسیون در خصوص مسئولیت، فاقد قواعد صریح درباره انتساب رفتار در وضعیت‌های مسئولیت مشترک بازیگران بین‌المللی است؛ اما تحلیل قواعد انتساب در طرح مواد مسئولیت دولت‌ها، بر پذیرش انتساب چندگانه رفتار به بازیگران بین‌المللی دلالت دارد. این مقاله درصدد است تا به تبیین و ارزیابی قواعد انتساب رفتار در وضعیت‌های مسئولیت مشترک بین‌المللی در پرتو قواعد موجود در طرح‌های مسئولیت بین‌المللی بپردازد و از این رهگذر شرایط و آثار هر یک را بررسی کند.

کلیدواژگان

اجبار، انتساب رفتار، انتساب مسئولیت، ارگان‌های مشترک، ارگان‌های عاریتی، کمک و مساعدت، مسئولیت مشترک بین‌المللی، هدایت و کنترل.

۱. استاد، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
Email: Reza.zb.ziai@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، تهران، ایران.
Email: Nasrintarazi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۲۷

مقدمه

نظام مسئولیت بین‌المللی در گام‌های اولیه خود به آن دسته از اعمال متخلفانه بین‌المللی که صرفاً ماهیت دوجانبه داشتند، محدود می‌شد که خود متضمن این بود که بیشتر نقض‌های حقوق بین‌الملل تک‌بعدی باشند. حال آنکه در جامعه کنونی بین‌المللی، موارد بسیاری وجود دارد که نقض تعهدات بین‌المللی ناشی از عمل متخلفانه چندین دولت یا سازمان بین‌المللی است (Lanovoy: 2016: 134).

مسئولیت بین‌المللی مشترک به وضعیت‌هایی اشاره دارد که در آن چند عامل، در ایجاد نتیجه زیانبار واحد مشارکت می‌کنند و مسئولیت این نتایج زیانبار در میان بیش از یک عامل مشارکت‌کننده^۱ به‌طور جداگانه توزیع می‌شود. (Nollkaemper & Plakokefalos, 2014: 7). نمونه‌هایی از این نوع مسئولیت را می‌توان در زمینه عملیات نظامی حفظ صلح، سیاست‌های مهاجرتی فراسرزمینی، جرائم فراسرزمینی یا اعمال ارتكابی منجر به تغییرات آب‌وهوایی یا دیگر مشکلاتی که عوامل فراسرزمینی در آن نقش دارد، مشاهده کرد (Nollkaemper, 2011: 2).

براساس ماده ۲ طرح مسئولیت دولت‌ها، یکی از شرایط اساسی مسئولیت بین‌المللی دولت آن است که رفتار مورد بحث به موجب حقوق بین‌الملل به آن دولت، قابل انتساب باشد. در واقع انتساب^۲، فرایندی است که به کمک آن، حقوق بین‌الملل احراز می‌کند که آیا رفتار یک شخص حقیقی یا رفتارهای دیگر اشخاص را که به‌عنوان واسطه عمل می‌کنند، می‌توان عمل دولت تلقی کرد، به شکلی که بتواند موجب مسئولیت بین‌المللی دولت شود یا خیر؟^۳ رفتار متخلفانه بین‌المللی، فعلی است که از یک سو به دولت یا سازمان بین‌المللی منتسب شود و از سوی دیگر، نقض تعهد بین‌المللی آن دولت یا سازمان بین‌المللی به‌شمار رود. براساس شرح مواد مسئولیت دولت‌ها، انتساب رفتار باید از طریق حقوق بین‌الملل تعیین شود و رابطه سببیت در این میان جایگاهی ندارد و عملکرد هنجاری است.^۴ لیکن می‌توان گفت احراز رابطه سببیت، شرط لازم برای انتساب مسئولیت است، اما شرط کافی تلقی نمی‌شود، چراکه دولت موجودی اعتباری است. برای انتساب یک رفتار به دولت، احراز رابطه سببیت مرحله نخست است که در آن مشخص می‌شود که علت فاعلی یک واقعه چه شخص یا اشخاصی‌اند و مرحله دوم نیز آن است که باید بررسی کرد که آیا عمل آن شخص یا اشخاص به دولت منتسب می‌شود یا خیر؟ (زمانی و میرزاده، ۱۳۹۳: ۸۴).

در وضعیت‌های مسئولیت مشترک بین‌المللی انتساب از اهمیت دوجانبه برخوردار است،

1. contributing actors
2. attribution

۳. بند ۲ شرح و تفسیر فصل دوم از بخش اول پیش‌نویس مواد مسئولیت دولت.

۴. بند ۴ شرح و تفسیر ذیل فصل دوم مواد مسئولیت دولت‌ها.

چراکه گام نخست در احراز مسئولیت، «انتساب رفتار» است و تحمیل مسئولیت بر یکی از بازیگران بین‌المللی و معاف کردن دیگری سبب می‌شود تا گاهی جبران خسارت از زبان‌دیده به‌طور کامل صورت نپذیرد یا انگیزه لازم برای برخی فعالیت‌ها و اقدامات مشترک و دارای اهمیت در سطح بین‌المللی فراهم نشود، برای مثال در عملیات حفظ صلح، انتساب انحصاری رفتار به دولت یا سازمان بین‌المللی، به کاهش مشارکت و همکاری دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی منجر خواهد شد. از این‌رو نحوه و چگونگی انتساب در وضعیت‌های مسئولیت مشترک، عاملی مهم در تعیین موجودیت مسئول خواهد بود. در این مقاله، ضمن تفکیک موضوع «انتساب رفتار» از «انتساب مسئولیت»، قواعد مربوط به انتساب در وضعیت‌های مسئولیت مشترک بررسی و آثار و نتایج هر یک ارزیابی می‌شود.

انتساب مسئولیت و تمایز آن از انتساب رفتار در زمینه مسئولیت مشترک

انتساب، سازوکار حقوقی برای رسیدگی و بررسی افعال متخلفانه جمع مشترکی^۱ از تابعان حقوق بین‌الملل است. به عبارت دیگر، مجموعه‌ای از شرایطی است که باید به‌منظور تعیین اینکه دولت یا تابع دیگر حقوق بین‌الملل عمل خاصی را مرتکب شده یا خیر، محقق شود (Crawford *et al.*, 2010: 221). تمایز میان مفهوم «انتساب رفتار» و «انتساب مسئولیت»، نتایج مهمی در زمان بررسی مسائل مربوط به جبران خسارت، استناد به مسئولیت یا توزیع مسئولیت خواهد داشت.^۲ به‌طور کلی هر دو جریان انتساب مسئولیت و انتساب رفتار، در راستای شناسایی فردی که به‌طور بالقوه مسئول است (انتساب رفتار) یا بالفعل مسئول (انتساب مسئولیت) است، به کار می‌رود (Crawford *et al.*, 2010: 221).

1. Collectivity

۲. تفکیک بین این دو مفهوم را می‌توان در پرونده اعمال کنوانسیون منع و مجازات جرم ژنوسید ملاحظه کرد. در این پرونده از دیوان خواسته شده بود تا در خصوص ادعای بوسنی و هرزگوین علیه صربستان و مونته‌نگرو رسیدگی کند. دیوان در ابتدا، انتساب ژنوسید در سربرنیکا را بر مبنای رفتار ارگان‌های آن دولت (ماده ۴ طرح مسئولیت دولت‌ها) تحلیل کرد و به این مسئله پرداخت که آیا این اقدامات توسط ارگان‌های دولت خوانده انجام گرفته است یا خیر؟ که پاسخ منفی بود؛ چراکه VRS و Srpska دارای چارچوبی از استقلال بودند و به‌منزله ارگان دوزوره یا حتی دوفاکتوی دولت خوانده تلقی نمی‌شدند. دیوان بعد از رد ادعای انتساب ژنوسید ارتکاب‌یافته به دولت خوانده بر مبنای ماده ۴ طرح مسئولیت دولت‌ها، به بررسی اقدامات نسل‌کشی و انتساب آن به دولت خوانده بر مبنای ماده ۸ طرح مسئولیت دولت‌ها (بر مبنای هدایت و کنترل) پرداخت. دیوان تأکید کرد که «این امر موضوعی کاملاً مجزا از مسئله رفتار ارگان‌های دولت خوانده است، چراکه پاسخ مثبت به این مسئله، به‌منزله تلقی اقدامات ارتکاب‌یافته با اقدامات ارگان‌های دولتی نیست، بلکه بدان معناست که مسئولیت بین‌المللی دولت خوانده، به‌دلیل دستورها و اجرای کنترلی است که منتج به ارتکاب اقدامات ناقض تعهدات بین‌المللی شده است».

مسیر هر دو به سمت احراز مسئولیت بوده و عملکرد هر دو یکسان است. اما انتساب رفتار و انتساب مسئولیت با یکدیگر تفاوت زیادی دارند. هریک از اینها در نمونه‌های واقعی مختلف اعمال می‌شوند و به‌طور مستقل از یکدیگر عمل می‌کنند و د مبنای نظری مجزایی دارند. دولت یا سازمان بین‌المللی که متحمل مسئولیت می‌شود، باید مرتکب «رفتاری» در مفهوم کلی شده باشد (MAY, 1992: 112).

با وجود این دو نکته باید در نظر گرفته شود؛ نخست آنکه رفتار مذکور نیازی نیست که رفتار متخلفانه باشد، چراکه انتساب مسئولیت، مستقل از رفتار متخلفانه بین‌المللی است (Crawford, 2002: 145)؛ دوم، درحالی‌که رفتار مذکور باید ضرورتاً ارتکاب یافته باشد، ولی الزاماً، رفتار عاملی نیست که مسئولیت به آن منتسب می‌شود، چراکه انتساب مسئولیت مربوط به رابطه حقوقی یا واقعی بین طرفی است که تخلفی را مرتکب شده است و طرفی که مسئولیت بدان منتسب می‌شود. ولی همواره این تردید وجود دارد که آیا دولت اخیر واقعاً مرتکب آن رفتار شده است یا خیر (Fry, 2014: 6).

ادبیات حقوقی به‌ندرت در مورد مفهوم انتساب مسئولیت بحث می‌کند. یکی از حقوقدانان که انتساب مسئولیت را معادل مسئولیت اشتقاقی می‌داند، بیان می‌دارد که انتساب مسئولیت جایی واقع می‌شود که دولتی مسئول رفتار دولت دیگری است، درحالی‌که دولت اخیر به‌طور همزمان مسئول رفتار خودش است (انتساب رفتار) (Amoroso, 2011: 989-1007).

انتساب مسئولیت ضرورتاً شامل بیش از یک طرف است^۱، چراکه اگر تنها یک متخلف وجود داشت، مراجعه مستقیم به قواعد انتساب رفتار، برای اهداف مسئولیت کفایت می‌کرد (Fry, 2014: 1). به‌عبارت دیگر انتساب مسئولیت شامل اعمال مستقل چند بازیگر است که موجب زیان جمعی شده است، درحالی‌که انتساب رفتار اغلب و نه ضرورتاً، شامل وضعیت متخلف واحد است (Messineo, 2012: 6). آقای جور جیو گایا نیز در گزارش دوم خود بر این موضوع تأکید دارد که مسئولیت همیشه لازم نیست که مبتنی بر انتساب رفتار باشد: «نیازی نیست که قواعد خاصی در مورد انتساب به‌منظور ارزیابی مسئولیت آن سازمان توصیه کنیم، مسئولیت یک سازمان الزاماً نباید مبتنی بر انتساب رفتار آن سازمان باشد. یک سازمان ممکن است تعهدی را در شرایطی بپذیرد که متابعت از آن، به رفتار اعضای آن سازمان وابسته است» (Gaja, Second Report, 2004: para 11).

۱. این مدل چندجانبه مسئولیت منتسب، توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل تأیید شده است، اگرچه اشاره صریحی به انتساب مسئولیت در مواد طرح مسئولیت دولت‌ها نشده و در فصل چهارم طرح مسئولیت دولت‌ها نیز به‌طور ضمنی و در قالب مسئولیت یک دولت در رابطه با رفتار دولت دیگر، اشاره شده است (Bago, IR, aEighth Report on State Responsibility, ILC Yearbook 1979/II(1), p. 4).

اشکال مسئولیت مشترک

در سه مورد می‌توان وضعیت مسئولیت مشترک را ملاحظه کرد؛ نخست، این واژه به دو فعل متخلفانه مستقل اشاره دارد که ناشی از افعال بین‌الدولی است که به دو دولت منتسب شده و به صدمه واحدی منتج می‌شود. این افعال خود می‌تواند به دو صورت کاملاً مستقل از یکدیگر یا رفتار هماهنگ با یکدیگر ارتکاب یابد (Noyes & Smith, 1988: 228-231). برای نمونه مسئولیت ناشی از رفتار مستقل، می‌توان به پرونده کانال کورفو اشاره کرد که در آن یوگسلاوی و آلبانی افعال متخلفانه‌ای را مرتکب شده‌اند که موجب ورود خسارت به کشتی‌های بریتانیایی شده است (ICJ Reports, 1949: 4, 23). برای نمونه رفتار هماهنگ نیز می‌توان به حمله نظامی مشترک توسط ائتلافی از دولت‌ها برخلاف قاعده منع توسل به زور اشاره کرد.

وضعیت دوم مسئولیت مشترک، موردی است که در آن یک عمل به دو یا چند دولت منتسب می‌شود. یک نمونه، وضعیتی است که در آن ارگان یک دولت براساس دستورهای مشترک دولت متبوع خود و دولت دیگر، عمل می‌کند (ارگان عاریتی) یا جایی که دو یا چند دولت از طریق ارگان مشترک دو دولت، فعل متخلفانه واحدی را مرتکب شده‌اند (Nollkaemper, 2011: 6).

سومین وضعیت مسئولیت مشترک، زمانی است که دولتی فعل متخلفانه‌ای را در مورد دولت دیگر ارتکاب می‌یابد. این طبقه شامل وضعیت‌های متنوعی است که در آن هریک خود زیرمجموعه‌ای را به همراه دارد، اما می‌توان بر مبنای رابطه بین دو فعل متخلفانه این وضعیت را دسته‌بندی کرد. این وضعیت‌ها شامل کمک و مساعدت^۱، هدایت و کنترل^۲ و اجبار^۳ دولت دیگر به ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی و در مورد سازمان‌های بین‌المللی علاوه بر این موارد شامل گریز از تعهدات بین‌المللی^۴ نیز است.

قواعد انتساب در وضعیت‌های مسئولیت مشترک

قواعد انتساب در سه وضعیت مذکور، با یکدیگر متفاوت و دارای آثار حقوقی مختلف است. در وضعیت نخست، انتساب رفتار به صورت مستقل و جداگانه و در وضعیت دوم، به صورت مشترک صورت می‌گیرد و در وضعیت سوم (مسئولیت اشتقاقی)، بنا به شرایط و اوضاع و احوال، انتساب مسئولیت در هر مورد متفاوت خواهد بود.

۱. ماده ۱۶ طرح مسئولیت دولت‌ها و مواد ۱۴ و ۵۸ طرح مسئولیت سازمان‌ها.

۲. ماده ۱۷ طرح مسئولیت دولت‌ها و ماده ۱۵ طرح مسئولیت سازمان‌ها.

۳. ماده ۱۸ طرح مسئولیت دولت‌ها و مواد ۱۶ و ۶۰ طرح مسئولیت سازمان‌ها.

۱. وضعیت نخست: افعال متخلفانه متعدد و مستقل

در وضعیت نخست، مسئولیت مشترک ناشی از افعال متخلفانه مستقل و بین‌الدولی است که توسط دو یا چند دولت یا سازمان بین‌المللی ارتکاب یافته است و به هر دو دولت منتسب شده و به صدمه واحدی منتج می‌شود. به عبارت دیگر، در این وضعیت، دو یا چند فرد یا موجودیت، هریک از سوی یک دولت یا سازمان بین‌المللی جداگانه عمل می‌کنند و رفتار مشترک آنها به دو یا چند تابع حقوق بین‌الملل منتسب می‌شود (Messineo, 2012: 10). برای مثال می‌توان به پرونده سکوه‌های نفتی اشاره کرد که افعال متخلفانه مستقل ایران و عراق در کار گذاشتن مین‌ها در خلیج فارس، موجب ورود خسارت به کشتیرانی آزاد ایالات متحده در خلیج فارس شده بود (ICJ Reports, 2003: 161, 357-358). در چنین مواردی، هر دولت به‌طور جداگانه مسئول فعل متخلفانه خود است و آنها به‌طور همزمان مسئول هستند.^۱ با این حال اینکه از دیدگاه طرف زیان‌دیده بگوییم، مسئولیت ناشی از ورود زیان بین دو دولت متخلف مشترک است، امری نادرست است (Dominic, 2010: 284). در هر دو وضعیت، براساس اصل مسئولیت مستقل و مطابق قواعد معمول انتساب، مسئولیت هر دولت براساس رفتار و تعهدات خودش ارزیابی می‌شود.

۲. وضعیت دوم: اقدام مشترک از سوی بیش از یک دولت یا سازمان بین‌المللی

وضعیت دوم مسئولیت مشترک زمانی ایجاد می‌شود که یک فرد یا موجودیت، از سوی بیش از یک دولت یا سازمان بین‌المللی مرتکب فعل متخلفانه واحد شده است. در این وضعیت، رفتار یک عامل به بیش از یک تابع حقوق بین‌الملل در زمانی واحد، منتسب می‌شود. برای مثال رفتار ارگان‌های مشترک که در ذیل به توضیح آن پرداخته خواهد شد.

۲.۱. ارگان‌های مشترک^۲

دولت‌ها معمولاً برای اهداف همکاری خاص، ارگان‌ها یا مؤسسات مشترکی را ایجاد می‌کنند، برای مثال یک کمیسیون مرزی یا پژوهشگاه مشترک. در مورد ارگان‌های مشترک، دو حالت

۱. نمونه‌های مربوط به کانال کورفو و سکوه‌های نفتی، نشان می‌دهد که هیچ تعارض مطلق بین مسئولیت مشترک و آنچه کمیسیون حقوق بین‌المللی «مسئولیت مستقل» می‌نامد، وجود ندارد. مسئولیت مستقل به اصلی اشاره دارد که براساس آن، هر دولت برای رفتار متخلفانه بین‌المللی خود مسئول است؛ یعنی برای رفتار قابل انتساب به آن دولت براساس اصول انتساب که در مواد بخش دوم طرح مسئولیت دولت‌ها مقرر شده است که نقض تعهد بین‌المللی آن دولت براساس مواد بخش سوم مواد است. دو مورد از مسئولیت مستقل، می‌تواند در ترکیب با یکدیگر منتج به نتیجه واحد شده و به‌عنوان موردی از مسئولیت مشترک تلقی شود.

2. Joint organs

وجود دارد:^۱ حالت نخست، ماهیت یا فردی که توسط دو یا چند دولت یا سازمان بین‌المللی به عنوان ارگان مشترک ایجاد شده است. برای مثال، کمیسیون بین‌دولتی بریتانیایی-فرانسوی که بر عملیات کانال تونل در پرونده «یوروتونل»^۲ نظارت می‌کرد (ILR, 2007, p. 57-64)؛ حالت دوم، ارگان دولت یا سازمان بین‌المللی که گاهی اوقات به‌عنوان ارگان دولت یا سازمان بین‌المللی دیگر عمل می‌کند. برای مثال، مقامات گمرکی دول عضو اتحادیه اروپا که ارگان دولتی دولت‌های متبوع خود نیز هستند و در زمان وضع تعهدات گمرکی از سوی اتحادیه اروپا عمل می‌کنند (Messineo, 2012: 13).

۲.۲. ارگان مشترک تأسیسی

به‌عنوان یک اصل، رفتار ارگان مشترک به هریک از دولت‌هایی که این ارگان را تأسیس کرده‌اند، منتسب می‌شود، چراکه این ارگان در اجرای اختیارات تفویض شده از سوی آنها عمل می‌کند (ماده ۵ طرح مسئولیت دولت‌ها)، هرچند این ارگان خود ماهیت بین‌الدولی از اعضایش ندارد، ولی جمعی از دولت‌های مسئول وجود دارد که در مورد هریک، اصل مسئولیت مستقل اعمال خواهد شد (Crawford, 2014: 340). این مورد توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل در شرح مواد مسئولیت دولت‌ها، تصریح شده است.^۳

دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده نائورو، دیدگاه متفاوتی در مورد ارگان‌های مشترک، اتخاذ کرده است. در این پرونده، سازمان ملل متحد قیومیت این سرزمین را مشترکاً به دولت‌های بریتانیا، نیوزلند و استرالیا سپرده بود و آنها نیز «مقام اداره‌کننده»^۴ را تأسیس می‌کنند که در عمل استرالیا از سوی سه دولت عمل می‌کرد. نائورو به دلیل نقض تعهدات «مقام اداره‌کننده» فقط علیه استرالیا اقدام به طرح دعوا در دیوان بین‌المللی دادگستری کرد. دیوان اعلام کرد که «سه دولت ذکر شده در موافقت‌نامه قیومیت مطابق شرایط موافقت‌نامه، «مقام اداره‌کننده» را برای نائورو تشکیل داده‌اند که این مقام، شخصیت حقوقی بین‌المللی مجزایی از دولت‌های تعیین شده ندارد و استرالیا از بین این دولت‌ها نقش خاصی در عمل و براساس موافقت‌نامه قیومیت که در سال‌های ۱۹۴۷ و ۱۹۱۹ و ۱۹۲۳ و ۱۹۶۵ ایجاد شده، بازی کرده است» (ICJ Reports, 1992: 240, 258). دیوان استدلال استرالیا را مبنی بر اینکه باید علیه هر سه دولت عضو مقام، مشترکاً اقامه دعوا شود، رد کرد و در نهایت نظر داد که می‌توان علیه

۱. برخی علاوه بر موارد مذکور، نهادهای مشترک با وضعیت سازمان‌های بین‌المللی براساس حقوق بین‌الملل را نیز نمونه‌ای از این ارگان‌های مشترک تلقی می‌کنند، همانند دیوان دعوای ایران و آمریکا. ولی این قبیل نهادهای شبه‌سازمانی به دلیل شخصیت حقوقی مستقل از دول عضو، ارگان مشترک تلقی نمی‌شود.

2. Eurotunnel Arbitration

۳. بند ۳ ماده ۶ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها.

4. Administering Authority

استرالیا به طور مستقل اقامه دعوا کرد. این مسئله که آیا استرالیا در نهایت مسئول جبران تمامی خسارات است یا تنها بخشی از آن در پرتو ویژگی‌های سازوکار سرپرستی و نقش اولیه استرالیا در اداره قلمرو، به بررسی ماهیت قضیه موکول شد (ICJ Reports, 1992: para: 262). قاعده مربوط به ارگان‌های مشترک اخیراً در حکم داوری یوروتونل^۱ نیز تأیید شد که دیوان داوری اعلام کرد، «کمیسیون بین‌الدولی که بر ارتباطات ثابت تونل نظارت می‌کند، در واقع ارگان مشترکی از فرانسه و بریتانیاست و در موارد نقض موافقت‌نامه امتیاز ناشی از اقدام این کمیسیون، هر دو دولت مسئول خواهند بود» (ILR 1, 2007: para: 61). به طور خلاصه، هر دو پرونده داوری یوروتونل و نائورو، رویه معتبری را ایجاد کرده‌اند که براساس آن عمل ارگان مشترک می‌تواند به هر دو دولت یا سازمان بین‌المللی که آن ارگان را تشکیل می‌دهند، منتسب شود. کمیسیون حقوق بین‌الملل این امر را به عنوان انتساب موازی^۲ یک جریان واحد رفتار به چند دولت توصیف کرد: «براساس اصولی که مواد بخش دوم پیش‌نویس مبتنی بر آن هستند، رفتار یک ارگان مشترک نمی‌تواند چیزی جدا از فعل هر یک از دولت‌هایی باشد که ارگان مشترک را به وجود آورده‌اند. چنانچه این رفتار، منطبق با تعهدات بین‌المللی نباشد، دو یا چند دولت معمولاً به طور جداگانه مرتکب فعل متخلفانه بین‌المللی جداگانه اما مشابه شده‌اند»^۳.

۳.۲. ارگان‌های مشترک عاریتی^۴

به جز ارگان‌های مشترک خاص که در قسمت قبل بررسی شد، یکی دیگر از موارد تعامل ارگان دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی و در نتیجه انتساب مشترک رفتار آنها، زمانی است که ارگان یک دولت یا سازمان بین‌المللی به عنوان ارگان دولت یا سازمان دیگر عمل کند. در این موارد به جز ارگان‌های انتقال یافته^۵، رفتار این قبیل ارگان‌ها که در حدود وظایف حتی اگر خارج از حدود اختیارات باشد، می‌تواند به هر دو دولت یا سازمان بین‌المللی مربوط که از سوی آنها اقدام می‌کنند، منتسب و در این موارد، مسئله انتساب چندگانه مطرح می‌شود. برای مثال، می‌توان به مأموران گمرکی دول عضو اتحادیه اروپا اشاره کرد که همزمان به عنوان ارگان دولت‌های خود و اتحادیه اروپا عمل می‌کنند. ادبیات حقوقی مربوط به مسئولیت دول عضو ناشی از اجرای دستورهای قانونی سازمان مربوط بسیار وسیع است، درحالی‌که مسئله مطرح شده در اینجا، بسیار محدودتر است. بلکه مسئله آن است که آیا اجرای اقدامات اتحادیه اروپا توسط مقامات دول عضو، مستقیماً می‌تواند هم به اتحادیه اروپا و هم به دول عضو مربوط

1. Eurotunnel
2. Parallel attribution

۳. بند ۲ شرح و تفسیر ماده ۲۷ پیش‌نویس مواد سال ۱۹۹۶.

4. Loaned organs
5. Transferred organs

منتسب شود یا اینکه باید منحصرأ به اتحادیه اروپا یا صرفاً به دول عضو منتسب شود؟ (Messineo, 2012: 16). در این موارد، قواعد مربوط به ارگان‌های انتقال‌یافته مندرج در ماده ۶ طرح مسئولیت دولت‌ها اعمال نمی‌شود، چراکه ارگان‌های دولتی که قواعد الزام‌آور اتحادیه اروپا را اجرا می‌کنند، به اتحادیه اروپا انتقال نیافته است. مقامات گمرکی به ارگان‌های اتحادیه اروپا پاسخ نمی‌دهند و به دستور دول عضو خود عمل می‌کنند. حتی تلاشی نیز برای گنجاندن آنها در ساختار اتحادیه اروپا صورت نگرفته است و صرفاً در کنار وظایف حاکمیتی دول عضو خود وظایف اتحادیه اروپا را نیز در عین حال، انجام می‌دهند. در این مورد قاعده انتساب چندگانه اعمال می‌شود و استثنای ماده ۶ ایجاد نمی‌گردد.^۱ در نتیجه، ما با وضعیت انتساب دوگانه مواجهیم، به طوری که می‌توان گفت ماده ۴ طرح مسئولیت دولت‌ها^۲ و ماده ۷ طرح مسئولیت سازمان‌ها^۳، در زمان واحد اجرا می‌شود. از این‌رو نیازی به انتخاب بین انتساب به اتحادیه اروپا و انتساب به دول عضو نیست.

۲.۴. رفتار مشترک بازیگران غیردولتی و دولت‌ها

براساس حقوق مسئولیت دولت، رفتار اشخاص و نهادهای خصوصی به‌طور معمول به دولت منتسب نیست. پیش‌نویس مواد مسئولیت دولت، در دو وضعیت جداگانه اقدامات اشخاص خصوصی را به دولت مربوط منتسب می‌کند: نخست، وضعیتی که اقتدارات دولتی یا حاکمیتی به نهادی که ارگان نیست، تفویض می‌شود و دوم، وضعیتی که چنین ارگان یا نهادی بدون آنکه رسماً نماینده دولت باشد، تحت دستور، هدایت یا کنترل آن عمل می‌کند. به‌علاوه برخی

۱. یکی از استثنائات قاعده انتساب چندگانه، در مواردی که است ارگان یک دولت یا سازمان بین‌المللی به‌طور کامل در اختیار دولت دیگر قرار می‌گیرد و براساس حقوق بین‌الملل به‌عنوان عمل آن دولت یا سازمان انتقال‌گیرنده تلقی می‌شود (ماده ۶ طرح مسئولیت دولت‌ها و ماده ۷ طرح مسئولیت سازمان‌ها)، اما در این مورد نیز می‌توان بنا به شرایطی، انتظار تحقق قاعده انتساب چندگانه را داشت. نخست، در مورد ارگان‌هایی که کاملاً انتقال نیافته است و دولت فرستنده همچنان به‌طور جزئی ارگان انتقال‌نیافته را کنترل می‌کند که در این مورد رفتار ارگان مزبور به هر دو دولت براساس ماده ۴ (در مورد دولت فرستنده) و ماده ۸ (تا جایی که آن ارگان توسط دولت دریافت‌کننده کنترل می‌شود) منتسب می‌شود. دوم، در موارد خاص که ارگان انتقال داده‌شده به‌عنوان ارگان دو دولت در زمان واحد عمل می‌کند (Ago, Third Report, 1971).

۲. ماده ۴ طرح مسئولیت دولت‌ها مقرر می‌دارد: «رفتار هر ارگان دولتی به موجب حقوق بین‌الملل، فعل آن دولت تلقی می‌شود، فارغ از اینکه آن ارگان کارکرد تقنینی، قضایی، اجرایی یا کارکردی دیگر داشته باشد و اعم از اینکه ارگان مذکور در سازمان دولتی چه موقعیتی دارد و اعم از اینکه ارگان مذکور عضوی از دولت مرکزی باشد یا عضوی از واحد دولتی محلی».

۳. ماده ۷ طرح مسئولیت سازمان‌ها مقرر می‌دارد: «رفتار ارگان یک دولت و کارگزاران یک سازمان بین‌المللی که در اختیار یک سازمان بین‌المللی گذاشته می‌شوند، طبق حقوق بین‌الملل عمل سازمان اخیر محسوب می‌شوند، مشروط بر اینکه سازمان اخیر، بر آن رفتار کنترل مؤثر اعمال کرده باشد».

عملکرد دولت‌ها و ماهیت نظام حقوق بین‌الملل، در چنین مواردی حاکی از آن است که با اعلام انتساب عمل به دولت، زیان‌دیده تنها امکان رجوع به دولت را دارد، چراکه در چنین وضعی از یک سو با اعلام انتساب عمل بازیگر غیردولتی به دولت، گویی دولت مرتکب عمل متخلفانه شده و بازیگر غیردولتی در مورد آن عمل، فاقد اراده مستقل بوده است و از سوی دیگر، جبران خسارت که هدف اصلی حقوق مسئولیت بین‌المللی است، با مسئول دانستن دولت به دلیل توانایی آن در جبران خسارت، بهتر برآورده خواهد شد (زمانی و ضیایی، ۱۳۹۰: ۵۸). به‌علاوه دولت‌ها در قبال اعمال اشخاص خصوصی دو وظیفه اساسی دارند؛ پیش‌بینی و پیشگیری؛ و تعقیب و مجازات. در این موارد، مسئولیت دولت ناشی از عمل شخص نیست، بلکه به دلیل رفتار ارکان خود کشور است که به تعهدات خود در این زمینه عمل نکرده‌اند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۸: ۴۶۶).

با وجود وضع معیار «کنترل مؤثر» برای انتساب اقدامات اشخاص و گروه‌های خصوصی به دولت، در پاره‌ای موارد انتساب اقدامات بازیگران غیردولتی به دولت‌ها، به طرح مسئولیت مشترک دولت‌ها منجر می‌شود. نخست؛ یک ماهیت ممکن است در زمانی واحد، «اقتدار حاکمیتی»^۱ دو دولت یا بیشتر را براساس مفاد ماده ۵ طرح مسئولیت دولت‌ها^۲ اجرا کند (d'Aspremont et al., 2015: 54). مسئله آن است که آیا می‌توان به این نتیجه رسید که یک ماهیت خاص در عین حال، «اقتدار حاکمیتی» دو یا چند دولت را اعمال می‌کند یا خیر؟ اگرچه رویه قضایی بسیار اندکی وجود دارد، در اصل هیچ چیز مانع تصور چنین وضعیتی نیست. برای مثال، یک شرکت امنیت نظامی و خصوصی (PMSC) می‌تواند توسط ارگان مشترکی همچون نهاد ائتلاف موقت عراق ایجاد شود که وظایف حکومتی خاص بدان سپرده می‌شود. حال اگر نهاد ائتلاف موقت عراق با این شرکت‌ها که در زندان ابوغریب خدمت می‌کنند، قرارداد منعقد نکند، مسئله‌ای که مطرح می‌شود این است که آیا رفتار این شرکت امنیت نظامی، می‌تواند به همه دولت‌های مؤتلفه منتسب شود؟ که البته احتمالاً پاسخ مثبت خواهد بود. به همین ترتیب، این شرکت امنیت نظامی می‌تواند در عین حال، وظایف یک سازمان بین‌المللی و عناصری از اقتدارات حاکمیتی یک دولت را اجرا کند، برای مثال اگر با دولتی برای مشارکت در عملیات حفظ صلح سازمان ملل با این شرکت‌ها، قرارداد منعقد کنند. (Messineo, 2012: 20) **دومین مورد** زمانی است که فرد یا نهادی ممکن است در زمان

1. Governmental authority

۲. ماده ۵ طرح مسئولیت دولت‌ها مقرر می‌دارد: «رفتار شخص یا نهادی که ارگان دولتی در مفهوم ماده ۴ محسوب نمی‌شود اما به موجب قانون آن دولت، مجاز به اعمال اقتدارات دولتی است، به موجب حقوق بین‌الملل فعل آن دولت محسوب می‌شود، مشروط بر آنکه شخص یا نهاد مزبور در قضیه ذی‌ربط در این سمت عمل کرده باشد».

واحد، براساس دستور، هدایت یا کنترل دو یا چند دولت یا سازمان بین‌المللی عمل کند (ماده ۸ طرح مسئولیت دولت‌ها). علاوه بر مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها می‌توان به مسئولیت کیفری اشخاص خصوصی نیز اشاره کرد که البته حوزه بحث این دو متفاوت از یکدیگر است. برای مثال، اقدامات رژیم عراق در استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی از جمله سلاح‌های شیمیایی، نه تنها مصداقی از نقض تعهد دولت عراق از تعهدات حقوق بشر دوستانه بین‌المللی است، بلکه مسئولیت کیفری فردی مباشران و معاونان این اقدامات را نیز به همراه دارد. به همین دلیل، علاوه بر مسئولیت بین‌المللی دولت عراق، مسئولیت کیفری افراد مرتکب نیز قابل پیگیری است (زمانی، ۱۳۹۵: ۲۳).

۳. وضعیت سوم: مسئولیت اشتقاقی (انتساب مسئولیت)

سومین وضعیت مسئولیت مشترک، زمانی است که دولتی فعل متخلفانه‌ای را در مورد دولت دیگر ارتکاب می‌یابد. در این بخش، قواعدی از انتساب (غیرمستقیم) رفتار که به طرح مسئولیت مشترک بین‌المللی می‌انجامد، بررسی و ارزیابی می‌شود.

۳.۱. کمک و مساعدت

ماده ۱۶ طرح مسئولیت دولت‌ها و مواد ۱۴ و ۵۸ طرح مسئولیت سازمان‌ها در خصوص کمک و مساعدت یک دولت یا سازمان بین‌المللی به دولت یا سازمان بین‌المللی دیگر در ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی است. ماده ۱۶ طرح مسئولیت دولت‌ها محدوده مسئولیت بابت کمک یا مساعدت را به سه طریق محدود می‌کند؛ نخست، ارگان یا سازمان مربوطه کمک یا مساعدت‌کننده باید از شرایطی که موجب رفتار متخلفانه بین‌المللی دولت می‌شود، آگاهی داشته باشد؛ دوم، کمک یا مساعدت باید به منظور تسهیل ارتکاب آن فعل باشد و واقعاً این تأثیر را داشته باشد؛ سوم، فعل خاتمه‌یافته باید به گونه‌ای باشد که اگر توسط خود دولت کمک‌کننده هم انجام می‌شد، متخلفانه بود.^۱

موارد مربوط به کمک و مساعدت، نمونه مناسبی برای انتساب مسئولیت محسوب نمی‌شوند، چراکه دولت یا سازمان بین‌المللی که چنین کمکی را فراهم می‌کند، واقعاً خود مرتکب فعل متخلفانه بین‌المللی شده است و از این رو بیشتر مربوط به قواعد انتساب رفتار می‌شود تا انتساب مسئولیت (Graefrath, 1996: 99). در واقع دولت کمک و مساعدت‌کننده، مسئول فعل خویش در ارتکاب آگاهانه به دولتی دیگر برای نقض تعهدی بین‌المللی است که هر دو آنها به آن ملتزم‌اند. بدین ترتیب او مسئول فعل دولت دریافت‌کننده کمک نیست. شرط «آگاهی» دولت

۱. بند ۳ شرح و تفسیر ماده ۱۶ طرح مسئولیت دولت‌ها.

کمک‌کننده از شرایطی که موجب رفتار متخلفانه بین‌المللی می‌شود، به این سبب است که دولت کمک و مساعدت‌کننده معمولاً از این نظر که کمک‌ها یا مساعدت‌های وی ممکن است برای ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی به کار رود، هیچ ریسکی را نمی‌پذیرد. از این رو اگر دولت مساعدت‌کننده در خصوص اینکه قرار است از آن کمک‌ها و مساعدت‌ها برای ارتکاب فعل متخلفانه استفاده شود آگاه نباشد، هیچ‌گونه مسئولیت بین‌المللی ندارد (Lanovoy, 2014:16).

در مواردی فعل متخلفانه به هر دو دولت کمک‌کننده و دولت مباشر، منتسب می‌شود و آن زمانی است که کمک و مساعدت عنصر ضروری ارتکاب فعل متخلفانه بوده و بدون آن، فعل مزبور رخ نمی‌داده است. در سایر موارد که کمک و مساعدت در ارتکاب فعل اولیه، تنها عاملی فرعی بوده و در زیان وارده نقشی نداشته یا بسیار ناچیز بوده است، این تفاوت بسیار جدی است. در واقع دولتی با کمک به دولت دیگر جهت ارتکاب یک فعل متخلفانه بین‌المللی نباید مسئول جبران خسارت ناشی از تمام نتایج آن فعل به زیان‌دیده آن قلمداد شود، بلکه او تنها مسئول آن دسته از نتایجی است که از رفتار خود او ناشی می‌شوند. برای مثال می‌توان به دولتی اشاره کرد که در راستای تجاوز نظامی به دولتی دیگر، تجهیزات یا نیروی نظامی در اختیار دولت متجاوز قرار می‌دهد. در چنین مواردی می‌توان از مسئولیت مشترک دولت متجاوز (دولت مباشر) و دولت تأمین‌کننده تجهیزات نظامی (دولت کمک‌کننده) سخن گفت (Brownlie, 1983: 191). کمک یا مساعدت مفهومی نسبتاً منعطف و جامع است که می‌تواند برای اشاره به مشارکت فرعی و یا مشارکت اصلی در فعل متخلفانه تفسیر شود. حتی در وضعیتی که کمک و مساعدت ارائه‌شده نقش اساسی در ارتکاب فعل متخلفانه داشته باشد، به طوری که بدون آن زیان قابل تصور نباشد، این امر تأثیری بر این حقیقت ندارد که دولت کمک‌کننده کنترلی بر دولت کمک‌شونده ندارد (Crawford *et al.*, 2010: 286). از این رو تقسیم مسئولیت ناشی از کمک و مساعدت در ارتکاب فعل متخلفانه، تضامنی نیست و دولت کمک‌کننده تنها به اندازه‌ای که کمک و مساعدت کرده است مسئولیت دارد و نه به اندازه کل عمل ارتكابی دولت مباشر فعل متخلفانه (Talmon, 2007: 31).

۳.۲. هدایت و کنترل رفتار

ماده ۱۷ طرح مسئولیت دولت‌ها و ۱۵ طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی، به حالت دیگری از مسئولیت دولت یا سازمان در خصوص فعل دولت دیگر می‌پردازد. در موضوع هدایت و کنترل نیز قیود مربوط به ماده ۱۶ (راجع به کمک و مساعدت) اعمال می‌شود، به طوری که دولت هدایت و کنترل‌کننده تنها زمانی مسئول خواهد بود که با علم به شرایط فعل متخلفانه بین‌المللی، اقدام به این کار کند و فعل مزبور اگر توسط خود آن دولت نیز ارتکاب می‌یافت، فعل متخلفانه بین‌المللی محسوب شود. موضوع هدایت و کنترل مربوط به یکی دیگر از حالت‌های مسئولیت اشتقاقی است

که در آن انتساب مسئولیت به طور غیرمستقیم صورت می‌گیرد و تنها به مسئولیت دولت از باب رفتار ارتکاب یافته توسط دولت دیگر می‌پردازد، با این حال این سؤال مطرح است که در این مورد آیا می‌توان قائل به مسئولیت مستقیم برای دولت هدایت کننده یا کنترل کننده با فعل متخلفانه قابل انتساب به آن بود و آیا طرف هدایت و کنترل کننده منحصرأ مسئولیت کل رفتار را بر عهده دارد؟ در این موارد، دولت هدایت کننده کنترل کننده منحصرأ مسئول خواهد بود، مگر آنکه دولت تحت کنترل تا حدودی آزادی در اقدام داشته باشد که در این صورت هر دو دولت مسئول خواهند بود (Dominice, 2010: 288). از این رو دولتی که بر ارتکاب یک فعل متخلفانه توسط دولت دیگر هدایت و کنترل دارد، مسئول آن فعل خواهد بود، چراکه انجام کل آن فعل را هدایت و کنترل کرده است.^۱ با این حال همان گونه که کمیسیون حقوق بین الملل اشاره کرده، هدایت و کنترل یک دولت توسط دولت دیگر، دولت تحت هدایت و کنترل را کاملاً از آزادی تصمیم‌گیری معاف نمی‌کند. از این رو در چنین مواردی می‌توان به مسئولیت تضامنی مباشر و اعمال کننده هدایت و کنترل قائل شد و زیان دیده حق دارد که کل جبران خسارت را از هریک از این دو که بخواهد مطالبه کند (مؤمنی راد، ۱۳۹۸: ۶۴۱)، مشروط بر اینکه به امکان مطالبه چیزی بیشتر از خسارات وارد شده منجر نشود. نمونه‌های مربوط به مسئولیت بین‌المللی ناشی از اعمال هدایت و کنترل، اکنون بیشتر از اهمیت تاریخی برخوردارند^۲ و بیشتر در روابط وابستگی بین‌المللی همچون نظام تحت‌الحمایگی مصداق پیدا می‌کنند (ابراهیم گل، ۱۳۹۵: ۵۱۷-۵۱۶). یکی از نمونه‌های امروزی هدایت و کنترل، موضوع تحریم‌های یکجانبه ایالات متحده علیه شرکت‌ها و نهادهای خصوصی مبنی بر عدم ارائه خدمات و کالا به ایران موسوم به تحریم‌های ثانویه است. این تحریم‌ها از مصادیق نقض تعهدات بین‌المللی آمریکا در زمینه‌های رعایت قواعد حقوق بشر و بشردوستانه است (حدادی، ۱۳۸۲: ۱۱۹) که از حیث اعمال کنترل و فشار بر این نهادها، در چارچوب قواعد انتساب مسئولیت (انتساب غیرمستقیم) قابل مطالعه است. چنانچه تحریم‌های مذکور، صرفاً نوعی اعمال فشار و محدودیت محسوب شود، می‌توان آن را از مصادیق هدایت و کنترل بر شرکت‌ها و بخش خصوصی تلقی کرد، آنگاه مطابق آنچه در بحث انتساب مسئولیت به دلیل هدایت و کنترل آمده است، ارتکاب افعال متخلفانه پیرو این تحریم‌ها از جمله ممانعت از ورود اقلام دارویی و مواد غذایی حیاتی به کشور ایران، هم به دولت آمریکا و هم به دول مورد تحریم ثانویه، قابل انتساب است. لیکن چنانچه تحریم‌های اعمال شده به مثابه نوعی اجبار^۳ و سلب کننده اختیار و توانایی دول تحریم شده تلقی شود (ILC YBK, 1979/II (2), 103-4)، مسئولیت منحصرأ به دولت آمریکا

۱. بند ۱ شرح و تفسیر ماده ۱۷ طرح مسئولیت دولت‌ها.

۲. بند ۲ شرح و تفسیر ماده ۱۷ طرح مسئولیت.

۳. علاوه بر تهدید یا توسل به قوای نظامی، دیگر اشکال اجبار، همچون اقدامات سیاسی یا اقتصادی ممکن است واجد شرایط اجبار باشند.

منتسب می‌شود که مسئولیت جبران تمامی خسارت وارده را بر عهده دارد. از سوی دیگر، می‌توان حالتی دیگر برای این وضعیت تصور کرد و آن زمانی است که دولت مورد تحریم ثانویه، در راستای کمک و مساعدت به سیاست‌های دولت آمریکا، به قطع روابط اقتصادی و تجاری و ممانعت از ورود برخی اقلام اساسی به دولت ایران می‌پردازد. در چنین وضعیتی، دول کمک و مساعدت‌کننده، صرفاً تا حدودی که رفتار آنها موجب فعل متخلفانه شده یا به وقوع آن کمک کرده باشد، مسئول است. از این رو در مواردی که فعل متخلفانه به هر حال رخ می‌داد، مسئولیت دولت کمک‌کننده شامل جبران خسارت خود فعل نمی‌شود.^۱ در مورد سازمان بین‌المللی، تنها شکل هدایت و کنترل که یک سازمان بین‌المللی می‌تواند بر اعضای خود اعمال کند، از طریق تصمیمات الزام‌آور بر دولت‌های عضو است که البته دولت‌های عضو در پذیرش تصمیمات هیچ‌گونه قدرت انتخابی ندارند.^۲ این امر با ماده ۱۷ طرح مسئولیت سازمان‌ها در خصوص سرپیچی از تعهدات همپوشانی خاصی دارد. کمیسیون حقوق بین‌الملل استدلال می‌کند این همپوشانی جزئی است و مغایرتی ایجاد نمی‌کند.^۳ با این حال با فرض اینکه تصمیمات سازمان‌های بین‌المللی هنجاری است تا واقعی، یک سازمان بین‌المللی نمی‌تواند هدایت و کنترل واقعی را اجرا کند. بنابراین این امر مورد تردید است که آیا هدایت و کنترل برای مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی در قبال رفتار دولت‌های عضو آن قابل اعمال است یا خیر؟ (Reinisch, 2010: 76). براساس ماده ۵۹ (۲) طرح مسئولیت سازمان‌ها «عمل یک دولت عضو سازمان بین‌المللی که مطابق قواعد آن سازمان انجام شده، موجب مسئولیت بین‌المللی آن دولت براساس شرایط این ماده نمی‌شود». از سوی دیگر، هدایت و کنترل اعمال شده توسط دولت‌های عضو بر سازمان‌های بین‌المللی متبوعشان نیز ابهام ایجاد می‌کند. این مسئله نمی‌تواند بر دولت‌های غیرعضو اثر بگذارد و تا حدودی برای دولت‌های عضو نیز مهم است.

۳.۳.۳ اجبار

ماده ۱۸ طرح مسئولیت دولت‌ها و ماده ۱۶ و ۶۰ طرح مسئولیت سازمان‌ها در خصوص قواعد مربوط به اجبار تنظیم شده است. در چنین مواردی دولت اجبار شده ممکن است بتواند به فورس مازور به‌عنوان شرایط رافع وصف متخلفانه (ماده ۲۳) استناد کند، اما مسئولیت دولت اجبارکننده باقی خواهد بود.^۴ برخلاف مواد ۱۶ و ۱۷، در موارد اجبار دولت «الف» مسئول خواهد بود، حتی اگر فعل متخلفانه دولت «ب»، در صورتی که توسط دولت «الف» ارتکاب می‌یافت، نقض

۱. بند ۱ شرح و تفسیر ماده ۱۶ طرح مسئولیت دولت‌ها.
 ۲. بند ۴ شرح و تفسیر ماده ۱۵ طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی.
 ۳. بند ۵ شرح و تفسیر ماده ۱۵ طرح مسئولیت سازمان‌ها.
 ۴. بند ۶ شرح و تفسیر فصل ۴، بخش ۱ و ماده ۲۳ طرح مسئولیت دولت‌ها.

تعهد بین‌المللی وی نباشد. تنها در مورد خاص اجبار است که یک دولت می‌تواند در خصوص فعل متخلفانه دولت دیگری مسئول باشد، فعلی که حتی اگر خودش مرتکب می‌شود، نقض تعهداتش محسوب نمی‌شود (Crawford, 2014: 339). این مواد مستلزم آن است که آن دولت با آگاهی از شرایط فعل متخلفانه بین‌المللی موردنظر به این کار اقدام کرده باشد^۱ و رابطه سببی خاصی بین فعل متخلفانه و رفتار دولت مساعدت‌کننده، هدایت‌کننده یا اجبارکننده وجود داشته باشد (Dominice, 2010: 289). همان‌گونه که کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز تأیید کرده، مسئولیت طرف اجبارکننده نسبت به قربانی، از عمل اجبار به خودی خود ناشی نمی‌شود، بلکه از رفتار متخلفانه دولت اجبارشده حاصل می‌شود.^۲ با این حال، دشوار است که گفته شود مسئولیت می‌تواند بین طرف اجبارکننده و اجبارشده مشترک باشد، چراکه طرف اجبارشده ممکن است به دلیل اجبار، نتواند مسئول شناخته شود (Fry, 2007: 629). اگر اجبار به میزان قوه قهریه باشد، مسئولیت دولت یا سازمان اجبارشده در مقابل دولت قربانی زائل می‌شود. در واقع اجبار باید به حدی باشد که اراده طرف تحت اجبار را تحت تأثیر قرار دهد. از این رو در مواردی که دولت یا سازمان تحت اجبار، اختیار و توانایی خود را به طور کامل از دست داده باشد، این امکان وجود دارد که هیچ مسئولیتی متوجه دولت یا سازمان تحت اجبار نشود (Crawford, 2002: 147). بنابراین تنها دولت یا سازمان اجبارکننده مسئول خواهد بود که خود سناریویی از مسئولیت غیرمستقیم ایجاد می‌کند. به علاوه برعکس کمک و مساعدت و هدایت و کنترل، در حالت اجبار دولت‌های عضو توسط سازمان بین‌المللی، دشوار است که آن را در وضعیتی که دولت‌های عضو از قواعد سازمان مزبور متابعت می‌کنند، تشخیص دهیم و بعید به نظر می‌رسد که اجبار از چنین متابعتی حاصل شود. برای دولت‌های غیرعضو این احتمال صرفاً نظری خواهد بود، چراکه اعمال اجبار خارج از چارچوب یک سازمان بین‌المللی دشوار است (Kuijper, 2010: 15). رویه دولت‌ها در این زمینه بسیار اندک است، اما در خصوص اجبار یک سازمان بین‌المللی می‌توان به فشار اقتصادی ناشی از تهدید دولت عضو یک سازمان نسبت به پرداخت سهمیه مالی آن دولت اشاره کرد. برای مثال می‌توان به تهدید ایالات متحده به خروج از یونسکو هنگام پذیرش عضویت فلسطین در این سازمان اشاره کرد که در نهایت نیز از آن خارج شد.^۳ حال اگر در اثر چنین

۱. شرط علم و آگاهی در هر سه سناریوی سنتی مشترک است. این امر ممکن است کمی مسئله‌ساز شود، چراکه گنجاندن عناصر ذهنی شبیه علم و آگاهی در عناصر اساسی مسئولیت، انحراف از تعهد اصلی مسئولیت عینی مندرج در هر دو طرح است، به طوری که ماده ۲ طرح مسئولیت دولت‌ها به هیچ عنصر ذهنی اساسی برای تحقق فعل متخلفانه اشاره نکرده است. در این مورد، به سختی می‌توان پذیرفت که هدایت و کنترل و اجبار بدون آگاهی از شرایط فعل متخلفانه صورت گرفته است؟ حتی در صورت پذیرش شرط علم و آگاهی در این خصوص، نحوه و میزان آن محل اختلاف نظر است (Fry, 2014: 23).

۲. بند ۱ شرح و تفسیر ماده ۱۸ طرح مسئولیت دولت‌ها.
۳. ایالات متحده در ابتدای ژانویه ۲۰۱۹ پس از اعتراضات گسترده نسبت به عضویت فلسطین در یونسکو، رسماً از

تهدیدهایی، فعل متخلفانه‌ای واقع شود، اجبار به معنای ماده ۶۰ طرح مسئولیت سازمان‌ها محقق خواهد شد.

۴.۳. گریز از تعهدات بین‌المللی^۱

چهارمین حالت از انتساب مسئولیت در چارچوب طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی مطرح شده است. این حالت از انتساب مسئولیت، هم در مورد سازمان‌های بین‌المللی و هم در خصوص دول عضو به ترتیب در مواد ۱۷ و ۶۱ طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی مطرح شده است. براساس ماده ۱۷ طرح مسئولیت سازمان‌ها، یک سازمان بین‌المللی، چنانچه به واسطه اتخاذ تصمیمات الزام‌آور برای دول یا سازمان‌های بین‌المللی عضو و اعطای مجوز به آنها، موجب ارتکاب عملی توسط آنها شود که در صورت ارتکاب توسط خود آن سازمان، عمل متخلفانه محسوب شود، مسئولیت بین‌المللی خواهد داشت. از سوی دیگر، مطابق ماده ۶۱ طرح مسئولیت سازمان‌ها، دول عضو یک سازمان بین‌المللی نیز اگر با سوءاستفاده از صلاحیت آن سازمان در موضوع یکی از تعهدات خود با فراهم کردن شرایط ارتکاب آن عمل توسط سازمان از زیر بار تعهد شانه خالی کند، مشروط بر اینکه اگر خود آن دولت مرتکب عمل مزبور می‌شد، باز هم آن عمل نقض تعهد محسوب می‌شد، مسئول عمل متخلفانه تلقی خواهد شد. در واقع وضع چنین مقرراتی در راستای جلوگیری از سوءاستفاده سازمان و نیز دول عضو از شخصیت حقوقی مستقل اعضا در طفره رفتن از تعهدات بین‌المللی است که بر عهده دارند (Murray, 2011:291). در چنین مواردی، نه تنها سازمان بین‌المللی یا دولت عضوی که قصد گریز از تعهدات بین‌المللی خود را دارد، مسئول تلقی می‌شود، بلکه دولت یا سازمان بین‌المللی مباشر نیز همزمان دارای مسئولیت تلقی می‌شود و می‌توان قائل به مسئولیت مشترک شد. در واقع در صورت بروز چنین وضعیتی، دولت یا سازمان بین‌المللی مباشر برخلاف وضعیت اجبار از اختیار و قدرت تصمیم‌گیری برخوردار است و لذا دارای مسئولیت خواهد بود (حدادی و ستایش‌پور، ۱۳۹۷: ۱۷۶). به علاوه ارتکاب فعل متخلفانه توسط دول عضو سازمان اتخاذکننده تصمیمات الزام‌آور، پیش شرط تحقق مسئولیت سازمان اخیر نیست، چراکه از دولت‌ها یا سازمان‌های عضو انتظار می‌رود از این تصمیمات تبعیت کنند که این انتظار فی‌نفسه احتمال زیاد دیدن ثالث را افزایش می‌دهد.^۲

این سازمان خارج شد.

1. circumvention

۲. بند ۵ شرح و تفسیر ماده ۱۷ طرح مسئولیت سازمان‌ها.

نتیجه

قابلیت انتساب، یکی از ارکان تحقق مسئولیت ناشی از نقض تعهدات بین‌المللی تلقی می‌شود. در مقاله حاضر ضمن تفکیک مفاهیم انتساب رفتار از انتساب مسئولیت و بیان تفاوت‌ها و آثار عملی هریک از این مفاهیم، به بررسی قواعد انتساب چندگانه رفتار به بازیگران بین‌المللی در وضعیت‌های سه‌گانه مسئولیت مشترک پرداخته‌اشد. نمونه‌هایی از «انتساب مستقیم» رفتار که به مسئولیت مشترک بین‌المللی منجر می‌شود، عبارت‌اند از: رفتار ارگان‌های مشترک، رفتار ارگان‌های عاریتی، رفتار مشترک بازیگران غیردولتی و دولت‌ها. علاوه بر موارد مذکور، در مواردی ممکن است دولت‌ها یا سازمان‌ها مسئول رفتار متخلفانه منتسب به دولت یا سازمان دیگر تلقی شوند که از آن به انتساب مسئولیت یا «انتساب غیرمستقیم» رفتار یاد می‌شود. کمک و مساعدت، کنترل و هدایت، اجبار و گریز از تعهدات بین‌المللی مواردی از انتساب غیرمستقیم رفتارند که در هریک از این موارد انتساب، نحوه توزیع جبران خسارت و میزان مسئولیت بازیگران مسئول متفاوت است.

منابع

A) Books

1. Crawford, James & Alain Pellet & Simon Olleson (eds.), (2010), *The Law of International Responsibility*, Oxford: OUP.
2. Crawford, James, (2002), *The International Law Commission's Articles on State Responsibility*, Cambridge University Press, n. 2.
3. Crawford, James, (2014), *State responsibility: General Part*, UK, Cambridge University Press.
4. Crawford, James, *State Responsibility- The general part*, translated by Ebrahimgol, Alireza, (1395), 1st ed., Tehran, Sanglaj Pob ([In Persian](#)).
5. Lanovoy, Vladyslav, (2016), *"Complicity and its Limits in the Law of International Responsibility"*, Hart publishing.
6. May, Larry, *sharing responsibility*, (1992), the Chicago University Press.
7. Nollkaemper, Andre, and Plakokefalos, Ilias, (2014), *Principle of shared responsibility in international law: An appraisal of the state of the art*, Cambridge University Press.
8. *The Draft Articles on responsibility of international organizations for internationally wrongful acts with Commentaries 2011*, translated by Abedini, Abdollah, (1393), 1st ed, Tehran, Khorsandi Pub ([In Persian](#)).
9. *The Draft Articles on responsibility of states for internationally wrongful acts with Commentaries 2001*, translated by Ebrahimgol, Alireza, (1390), Ed.5, Tehran, Shahredanesh Pub ([In Persian](#)).

10. Ziai Bigdeli, Mohammadreza, (1398), *Public International Law*, Ed 65, Tehran, Ganjedanesh Pub (In Persian).

B) Articles

11. Amoroso, Daniele, (2011) "Moving Towards Complicity As A Criteria of Attribution of Private Conducts: Imputation to States of Corporate Abuses in the US Case Law", *Imputation to States of Corporate Abuses in the US Case Law*, Cambridge University Press.
12. Asgary, Pouria, "International Responsibility of Individuals and States in light of the Control Criteria", *International Law Review*, Volume 26, Issue 40, Winter and Spring 2009, Pages 149-161 (In Persian).
13. D'Aspremont, Jean and Andre' NollkaemperI and Ilias Plakokefalos and Cedric Ryngaert, (2015), 'Sharing Responsibility Between Non-State Actors and States in International Law: Introduction', *Neth Int Law Rev.*, available at <https://link.springer.com/article/10.1007/s40802-015-0015-0>, visited in 2020/10/07.
14. Fry, James, (2007), "coercion, causation, and the fictional elements of indirect responsibility", *Vanderbilt journal of transnational Law*, Vol 40.
15. Fry, James, (2014), "Attribution of Responsibility", SHARES Research Paper 37, available at www.sharesproject.nl.
16. Graefrath, Bernhard, (1996), "complicity in the law of international responsibility", *Revuebelge de Droit in international, Éditions Bruylant*, Bruxelles <http://rbdi.bruylant.be/public/modele/rbdi/content/files/Graefrath.pdf>/ visited in 2020/10/07.
17. Haddadi, Medi & Setayeshpour, Mohammad, (1397), "The allocation of state responsibility arising from the act of another state or international organizations", *Dolatpajoohi Quarterly*, No.14, pp.149-182 (In Persian).
18. Kuijper, Pieter J. (2010). "Introduction: Attributed or Direct Responsibility or Both?" *International Organizations Law Review*, vol. 7.
19. Lanovoy, Vladyslav, (2014), "complicity in an internationally wrongful act", available at www.sharesproject.nl: last visited in 2020/10/07
20. Maleki zadeh, Amir Hossien, (1391), "The Analysis of conception of attribution of international responsibility in jurisprudence of international court of Justice", *Scientific Research Journal of Rahbord*, No.64, pages 249-292 (In Persian).
21. Messineo, Francesco, (2012), "Multiple attribution of conduct", available at www.sharesproject.nl last visited in 2020/10/07.
22. Momenirad, Ahmad, Setayeshpur, Mohammad, "Conceptual Framework of Derivative Responsibility of International Organizations in International Law", *Public Law Research*, Volume 49, Issue 3, Autumn 2019, Pages 635-655 (In Persian).
23. Murray, Odette, (2011), "Piercing the Corporate Veil: The Responsibility of Member states of an International Organization", *International organizations law review*, Vol 8, Issue 2.

24. Nollkaemper, Andre, (2011), "issues of shared responsibility before the international court of justice", *Amsterdam law school legal studies research paper*, available at www.sharesproject.nl, last visited in 2020/10/07.
25. Nollkaemper, A and Dov Jacobs, (2013), "Shared Responsibility in International Law: A Conceptual Framework", *Michigan Journal of International Law*, Volume 34.
26. Noyes, J. E, and Smith, B. D, (1998), "state responsibility and the principle of joint and several liability", *13 Yale Journal of International law*.
27. Solh Chi, Mohammad Ali, "State Responsibility for Violation of Human Rights by Transnational Corporations", *Public Law Research*, Volume 16, Issue 44, Winter 2015, Pages 105-128 ([In Persian](#)).
28. Talmon, Stefan, (2007), "A plurality of responsible actors: international responsibility for acts of the coalition provisional authority in Iraq", *University of Oxford Faculty of Law Legal Studies Research Paper Series*, Working Paper No 25.
29. Zamani, Seyed Ghasem & Mirzadeh, Mona Sadat, (1392), "International Responsibility of States for Private Company's Conduct Thorough the Lens of International Judicial and Arbitral Jurisprudence", *Public Law Research*, Volume 15, Issue 40, Summer 2013, Pages 115-140 ([In Persian](#)).
30. Zamani, Seyed Ghasem & Mirzadeh, Mona Sadat, (1393), "Attribution of Private-Persons' Wrongful Acts to a State: Standard of Control in Jurisprudence of Iran-U.S Claims Tribunal", *Public Law Research*, Volume 16, Issue 43, Winter 2015, Pages 81-108 ([In Persian](#)).
31. Zamani, Seyed Ghasem & Ziaee, Seyed Yasser, "Extension of International Responsibility Regime to Non-State Actors with Emphasis on Secessionists", *International Law Review*, Volume 28, Issue 45, Winter and Spring 2012, Pages 53-83 ([In Persian](#)).
32. Zamani, Seyed Ghasem, "Convergence and divergence of Individual criminal responsibility and international responsibility of States for wrongful acts: Taking a Look at Iran- Iraq War Case (1980)", *Public Law Research*, Volume 18, Issue 51, Autumn 2016, Pages 9-29 ([In Persian](#)).

C) Cases

33. Difference Relating to Immunity from Legal Process of a Special Rapporteur of the Commission of Human Rights, Advisory Opinion, *ICJ Reports*, 1999.
34. Certain Phosphate Lands in Nauru, (Nauru/Australia), *ICJ Reports*, 1992.
35. Military and Paramilitary Activities in and against - Nicaragua (Nicaragua v. United States of America), *ICJ Reports*, 1986.
36. Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro), *ICJ Reports*, 2007.
37. Prosecutor v. Tadić, Judgment, ICTY Case No. IT-94-1-A, 15 July 1999
38. Eurotunnel Arbitration, 2007, 132 ILR 1, <https://jsumundi.com/en/> last seen: 2020/7/4.

39. Bosphorus Hava Yollari Turizm Ve Ticaret Anonim Şirketi vs Ireland, No 45036/98 , ECtHR, 30 June 2005.
40. Behrami v. France and Saramati v. France, Germany and Norway (Admissibility) (GC), ECtHR, nd71412/01 and 78166/01, 2 May 2007.
41. Hess v. United Kingdom, ECHR, n. 6231/73, 28 May 1975.
42. Kadi and Al Barakaat International Foundation v. Council of the European Union and Commission of the European Communities, European Court of Justice, joined cases C-402/05 P and C-415/05 P, [2008] 3 CMLR 41 (Kadi): 75–76, 266.
43. European Court of Justice, joined Drozd and Janousek v. France and Spain, n.12747/87.26 June 1992, 14 EHRR A/CN.4/610 (2009), 131 cases C-402/05 P and C-415/05 P, [2008] 3 CMLR 41.
44. Al-Saadoon and Mufdhi v. the United Kingdom (Merits) (Fourth section), March 2010, EHRR 9.
45. Al-Jedda v. UK, 2011, ECtHR 27021/08.
46. Attorney- General v. Nissan, 1969, UKHL 3.

D) Document

47. Ago, Roberto, Third Report on State responsibility, A/CN.4/246 and Add.1-3, 1971, vol. II(1).
48. J. Crawford, Third Report ILC Ybk 2000/II(1).
49. Gaja, Giorgio, Seventh report on responsibility of international organizations.
50. ILC Ybk 1971/ II (1), 264.